کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۳، ۱۶ بهمن ماه ۱۳۹۶

پیامدِ سه دهه دستبردِ رژیم به صندوق‌های پس‌اندازِ زحمتکشان

دغدغهٔ زحمتکشانی که در ماه‌های اخیر برای دستیابی به ماه‌ها مستمری بازنشستگی پرداخت‌نشده‌شان از سرتاسر کشورمان به تهران آمده و مقابل مجلس تجمع‌های اعتراضی برگزار می‌کنند، پیامدِ سه دهه دستبردِ کارگزاران رژیم فاسد ولایت فقیه به اندوختهٔ مالی کارگران و زحمتکشان در صندوق بازنشستگی آنان است.

ایزدخواه، معاون پیشین سازمان تأمین اجتماعی، در گفت‌وگویی با خبرگزاری ایلنا، ۸ بهمن‌ماه، از ۲۴ صندوق بیمه‌ای و بازنشستگی موجود در کشور از "صندوق بازنشستگی کشوری، صندوق بیمه تأمین اجتماعی، صندوق بیمه بیکاری، صندوق بیمه عشایر و روستایی و صندوق بازنشستگی و بیمه نیروهای مسلح" در زمرهٔ مهم‌ترین صندوق‌های بیمه‌ای یاد کرد. او با اشاره به "عدد ۵" و "نسبتِ پشتیبانی" به‌منزلهٔ شاخصی

ادامه در صفحه ۳

امنیتِ شغلی، ترمیم شکاف دستمزد و هزینه، و تأملی بر راهکارهای مبارزاتی جنبش کارگری - سندیکایی میهن‌مان

در روزهای اخیر و در آستانهٔ تشکیل جلسه‌هایی نهایی در شورای‌عالی کار به‌منظور تعیین حداقل دستمزد سال آینده- سال ۱۳۹۷- بردامنهٔ اعتراض‌های کارگری، به‌ویژه درخصوص افزایش مزد و دریافت دستمزدهای معوقه، افزوده شده است. درحالی‌که رژیم در هراس از شعله‌ور شدن مجدد آتش خشم و اعتراض توده‌ها و نیز گسترش مبارزات جنبش کارگری و سندیکایی به مانورهایی دست یازیده است و در این راستا نمایندگان مجلس شورا ابتدا در اقدامی هدفمند کلیات لایحهٔ بودجه سال آینده و گزارش کمیسیون تلفیق را رد کرده و سپس در جلسه یازدهم بهمن‌ماه امسال آن را با تغییرهای غیرمحتوایی‌ای اندک به‌تصویب رساندند، ده‌ها اعتصاب، تحصن و تجمع در محیط‌های کارگری و صنعتی کشور جریان دارد. البته این نکته بر کسی پوشیده نیست که رد کلیات لایحه بودجهٔ ۹۷ و سپس تصویب آن، به‌معنای مخالفت با آزادسازی اقتصادی و هم‌سویی با مطالبات توده‌های محروم به‌ویژه زحمتکشان نیست، بلکه این‌گونه مانورها صرفاً در راستای مهار و کنترل جنبش اعتراضی توده‌ای، و

ادامه در صفحه ۲

حقوق معوقه، عیدی و پاداش آخر سال کارگران و کارمندان

روز ۵ بهمن‌ماه خبرگزاری ایلنا از پرداختِ فقط حقوق آذرماه ۲۰۰۰ کارگر "شرکت حفاری شمال" و نگرانی کارگران از امنیتِ شغلی خود گزارش داد. قبل از آن مدیریت حفاری شمال از "کلید خوردنِ طرح اصلاح ساختار" در شرکتِ حفاری خبر داده بود و تأکید کرده بود، "ممکن است مزایای بخشی از کارگران کاهش پیدا کند." منظور از "اصلاح ساختار"، خصوصی سازی بنگاه‌هایِ تولیدی و منابع ملیِ کشورمان و آزادسازی محیط و روابطِ کار است؛ به عبارتِ دیگر، تاراج منابع ملی کشورمان توسطِ آقازاده‌ها و کارگزارانِ رژیم و بهره‌کشی حداکثری از کارگران و نیروی کار؛ حتی عدم پرداختِ حداقل مزدِ یک‌پنجمِ خطِ فقرِ کارگران است. مطابقِ گزارشِ ۱۶ دی‌ماه خبرگزاری ایلنا، "حداقل بیست میلیون خانوار ایرانی" جزو خانوارهایِ "حداقل‌بگیران و کارگران غیررسمی" هستند. این تعداد شاملِ خانواده‌هایِ کارگرانِ مشمولِ قانونِ کار، ولی با حقوقِ حداقلی ۹۳۰ هزار تومان در ماه؛ باضافه خانواده‌هایِ کارگران غیررسمی که "خارج از شمول قانونِ کار و الزاماتِ حداقل دستمزد" هستند، و "هیچ منبع درآمد قانونی و پایداری ندارند." در حالِ حاضر خطِ فقر در کشورمان حداقل ۴/۵ میلیون تومان در ماه است؛ بنابراین ۹۳۰ هزار تومان، یعنی حداقلِ دستمزدِ مصوبِ شورایِ عالیِ کار حدودِ یک پنجمِ خطِ فقر در کشور است. در یکچنین شرایطی و با درآمدِ ۹۳۰ هزار تومان در ماهِ لااقل یک‌سومِ جمعیتِ زحمتکشانِ کشورمان، کلان سرمایه‌داران و چپاولگرانِ رژیمِ ولایی نیتِ "اصلاح" بیشتر "ساختار" را دارند. باید دید "اصلاحِ ساختار"، علاوه بر تاراجِ منابعِ ملی ما تحتِ عنوان خصوصی سازی، شامل "کاهش" کدام "مزایا" می‌شود. حداقل "عیدی کارگران معادلِ 2 ماه پایه دستمزد و حداکثر عیدی کارگران معادل 3 ماه پایه حقوق و دستمزد است"؛ به عبارت دیگر، بر اساس حداقل دستمزد "۹۳۰ هزار تومان" در ماه، "حداقل یک میلیون و ۸۶۰ هزار تومان و حداکثر ۲ میلیون و ۷۹۰ هزار تومان عیدی باید به کارگران پرداخت شود." گرچه عیدیِ کارگران به پایه دستمزد اضافه نمی‌شود، اما با دستمزدِ یک‌پنجمِ خطِ فقر اکثریتِ کارگران، در صورتِ پرداخت شدنِ عیدی توسطِ کارفرمایان، می‌تواند بخشی از مشکلات خانواده‌هایِ کارگری در مقطعِ عید را برطرف کند. در اعتراض به پرداخت نشدنِ ۱۰ ماه دستمزد و حق بیمه، اخیراً کارگران کارخانه "ایران قوطی" تجمع اعتراضی برگزار کردند؛ و یکی از کارگرانِ معترض گفت، "سالهاست که حق بن کارگری به کارگران پرداخت نمی‌شود، در عین حال از سال ۹۳ عیدی دریافت نکرده‌ایم." با وجود "اجباری بودن اضافه کاری و کار شبانه"، یکی از "۳۰۰ کارگر پیمانی" منطقه سه شهرداری اهواز از "اجرا نشدن قانون کار در خصوص محاسبه مزایای اضافه کاری" و "شب کاری" کارگران خبر داد. کارگران کارخانه «کیان کرد «ملایر "دست‌کم ۶ ماه دستمزد و عیدی سال‌های

ادامه در صفحه ۳

پیش به‌سوی سازمان‌دهیِ مبارزه منسجم و سراسریِ کارگران و زحمتکشان بر ضدِ ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوبِ حقوق صنفیِ کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راهِ طردِ رژیم ولایت فقیه!

ادامهٔ امنیت شغلی، ترمیم شکاف ...

علاوه‌برآن، سهم‌خواهیِ جناح‌های حکومتی از ثروت و درآمدهای ملی به‌زیان اکثریت جامعه ماست. در هیچ‌یک از مخالفت‌های نمایندگان مجلس شورا با کلیات لایحهٔ بودجهٔ ۹۷، سخنی از حقوق و منافع زحمتکشان و مخالفتی جدی و اصولی با اقتصاد رانتی و محتوای ضدِ مردمیِ لایحه در میان نبود و نمی‌توانست باشد. به‌هرروی، در چنین وضعیتی اعتصاب‌های کارگری به‌صورتی پراکنده رخ می‌دهند. اعتصاب یکپارچهٔ کارگران گروه ملی صنعتی پولاد ایران، مبارزهٔ کارگران کارخانهٔ ماشین‌سازی تبریز، اعتراض‌هایی متعدد و گاه به‌مدت یک‌هفته‌ایِ کارگران در منطقه پارس جنوبی - عسلویه، اعتصاب روزهای اخیر کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه و مبارزهٔ کارگران راه‌آهن سراسری کشور، ازجمله آخرین نمونه‌های مبارزهٔ جنبش کارگری و سندیکایی در روزها و هفته‌های اخیر است. در تمامی این اعتراض‌ها، موضوع امنیتِ شغلی، پرداخت به‌موقعِ دستمزدها و خواست افزایش دستمزد، محورهای اصلی مطالبات‌اند. اما درعین‌حال باتوجه به وضعیت اقتصادی کشور و تداوم ورشکستگی واحدهای صنعتی- تولیدی، مخالفت قاطع کارگران و زحمتکشان با برنامهٔ خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی از مبرم‌ترین و مهم‌ترین خواست‌های جنبش کارگری و سندیکایی کشور در مقطع زمانی کنونی به‌شمار می‌آیند و با خواست فوری افزایش مزد پیوندی تنگاتنگ دارند.

تجربه سال‌های اخیر نشانگر این واقعیت است که مبارزه برای افزایش واقعی دستمزدها و ترمیم شکاف مزد- هزینه، بدون بسیج زحمتکشان در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و سازمان‌دهی اعتراض‌های پراکنده به نتیجهٔ مطلوب و مورد انتظار منجر نمی‌شود. موضوع شکاف فزایندهٔ دستمزد- هزینه، با امنیت شغلی طبقهٔ کارگر و تنظیمات موجود بازار کار ارتباط مستقیم دارد و هرگونه بحث و بررسی‌ای پیرامون افزایش واقعی مزد بدون نظرداشت مسئلهٔ خطیر امنیت شغلی فاقد موضوعیت و بی‌نتیجه خواهد بود. هنگامی‌که از تنظیمات موجود و مسلط بر بازار کار ایران سخن به‌میان می‌آید، بی‌تردید بدان معناست که نخستین پیامد این تنظیمات ناعادلانه و به‌شدت ضدِ کارگری، رواج قراردادهای موقت در شکل‌هایی متنوع نظیر: قراردادهای شش‌ماهه، سه‌ماهه، یک‌ماهه و سپیدامضا بوده است. با ارزیابی‌ای حتی اجمالی از روابط کار در رژیم ولایت فقیه- به‌ویژه پس از اجرای سیاست تعدیل ساختاری- درمی‌یابیم که آنچه به‌نام سیستم مسلط در روابط کار در جمهوری اسلامی حاکم است نه‌تنها نقض فاحش قانون کار نارسای کنونی است، بلکه استثمار وحشیانه و لجام‌گسیخته از طبقهٔ کارگر و زحمتکشان اعم از زحمتکشان فکری و یدی کشور در سایهٔ سرکوب سیاسی، اختناق، و رواج اقتصاد رانتی و دلالی در راستای تأمین منافع کلان‌سرمایه‌داری در اقتصاد کشور است. به‌بیانی دقیق‌تر، یورش همه‌جانبه به منافع و دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر، جنبه‌هایی مختلف و موازی با یکدیگر را شامل می‌گردند که حاصل آن در انتها، نیروی کار ارزان برای ثروت‌اندوزیِ لایهٔ اجتماعی کوچک اما پرنفوذِ مصرف‌گرا، رانت‌خوار و ضدِتولیدی است. روبنای سیاسی بغایت واپس‌گرا و کهنه‌پرست همراه با ماشین سرکوبگری‌اش، تکیه‌گاهِ تأمین منافع این لایهٔ انگلی در جامعه است. گردانندگانِ معمم و مکلای رژیم بر اساس سیاست‌های اقتصادی- اجتماعی پسابرجام (که برنامهٔ اقتصادِ مقاومتی ولی‌فقیه و برنامه‌های دولت روحانی و مجموعهٔ نیروهای به‌اصطلاح خط اعتدال را در برمی‌گیرد) ، این نیروی کار ارزان را به‌منظور حفظ و بقای "نظام"، با سخاوتمندی تمام و به‌هدف پیوستن به "سازمان تجارت جهانی" و بستن رژیم به ارابه سرمایهٔ جهانی برای تقدیم به انحصارهای فراملی درنظر گرفته‌اند.

دستبرد به منافع کارگران و زحمتکشان و بازتولید نیروی کار ارزان در چهارچوب سیاست اصلاحات اقتصادی، از زمره مهم‌ترین برنامه‌های رژیم برای غلبه بر بحران سیاسی و اقتصادی‌اش محسوب می‌گردد. اجرای برنامهٔ آزادسازی اقتصادی- که در بطن آن طرح آزادسازی مزد نیز از سوی وزارت کار و با هماهنگی تشکل‌های زرد و زرد حکومتی درحال پیگیری است- در اولویت برنامه‌های جمهوری‌اسلامی قرار دارد. رژیم در جهت محدود کردن هرچه بیشتر منافع کارگران و زحمتکشان در عرصهٔ صنفی و سندیکایی و نیز حذف عامل جنبش کارگری از معادله‌های صحنهٔ سیاسی کشور به‌منظور مهار نیرویی تعیین‌کننده و مؤثر در جنبش ضدِ دیکتاتوری، برنامه‌هایی متعدد را در دست تهیه دارد.

هم‌اکنون و در ماه و هفته‌های پایانی سال جاری بحث و بررسی بر سر تعیین حداقل دستمزدها در شورای‌عالی کار به گفتمان غالب و موضوع روز تبدیل شده است. می‌توان و باید با استفاده از این وضعیت، به‌صورتی همه‌جانبه، سنجیده و مبتنی بر ظرفیت و توان جنبش سندیکایی و کارگری، در راستای سازمان‌دهی مبارزه برای افزایش دستمزد و مخالفت با آزادسازی اقتصادی تلاش ورزید. بر این مبنا، وظیفهٔ مبارزان جنبش کارگری و فعالان جنبش سندیکایی میهن‌مان پیوند زدن خواست افزایش دستمزدها با مخالفت و پیکار با برنامه‌های اقتصادی- اجتماعی رژیم در جهت تقویت جایگاه جنبش کارگری در مبارزه ضددیکتاتوری است. سازمان‌دهی مقاومت و مبارزه در برابر یورش ارتجاع به حقوق طبقه کارگر و به پس راندن برنامه‌های اقتصادی ضدِ کارگری و ضدِ مردمی، تنها درصورت تلفیق ماهرانه و هوشیارانهٔ خواست‌های صنفی با خواست‌های سیاسی، امکان‌پذیر خواهد بود. از این رهگذر هم می‌توان به ترمیم شکاف مزد- هزینه کمر همت بست و مانع ژرفش این شکاف شد و دستمزد عادلانه و واقعی را به رژیم ولایت فقیه تحمیل کرد و هم گامی مؤثر در راستای احیای حقوق سندیکایی و همراه آن تقویت و انسجام جنبش کارگری در عرصه‌های سیاسی و صنفی به‌پیش برداشت.

ادامهٔ حقوق معوقه، عیدی و پاداش ...

۹۵ و ۹۶" را از کارفرمای خود طلبکارند"؛ و یکی از کارگران گفت، کارگرانی که "امکان بازنشستگی براساس قوانین مشاغل سخت و زیان‌آور را دارند، آنها هزینه‌های مرتبط با بازنشستگی را باید از جیب پرداخت کنند." روز اول بهمن‌ماه، معلمان حق‌التدریسی "از عدمِ پرداخت مطالباتِ مزدی خود از ابتدای سالِ تحصیلی جاری"، و "مطالبات مزدیِ مربوط به سالِ تحصیلی گذشته" خبر دادند.

به‌عبارت دیگر، آزادسازی اقتصاد، یا به اصطلاح "اصلاح ساختار" و کاهش مزایا، بخصوص در رژیم فاسدِ ولایتِ فقیه، شامل ماه‌ها پرداخت نشدنِ دستمزد و حق بیمه، عدمِ پرداختِ عیدی و حق بن کارگران، پرداخت نشدنِ اضافه‌کاری و شب‌کاری، عدمِ پرداختِ هزینه‌های مرتبط با بازنشستگی براساس قوانین مشاغل سخت و زیان‌آور؛ پرداختِ دستمزدِ صرفاً یک‌پنجمِ خطِ فقر در صورتیکه "قانونِ کار" رژیم اجرا گردد، و عدمِ تبعیت از "قانون" در موردِ حداقل ۱۰ میلیون خانوارِ کارگریِ کشورمان می‌شود. تنها راهِ مقابله با "اصلاح" مداومِ "ساختار" و "کاهشِ مزایا" نیز، مبارزهٔ متحد و پیگیرِ کارگران برایِ پایان دادن به سیاست‌هایِ اقتصادیِ ضدمردمی رژیم است.

ادامهٔ پیامد سه دهه دستبرد رژیم ...

بین‌المللی برای سنجش عملکرد صندوق‌های بازنشستگی، گفت: "اگر این نسبت برای صندوقی کمتر از [۵] باشد... اصطلاحاً در آستانه ورشکستگی است." ایزدخواه گفت، برای "۲۰ صندوق رفاهی اختصاصی... این شاخص به‌طور متوسط برابر ۱٫۵ است که نشان می‌دهد ۱٫۵ نفر برخوردار [از بیمه] به‌ازای یک نفر پرداخت‌کنندهٔ حق بیمه وجود دارد. در صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح و صندوق بازنشستگی کشوری این عدد زیر ۱ است و در سازمان تأمین اجتماعی... این رقم ۴٫۲۵ است." یکی از دستبردهای کلانی که به منابع مالی متعلق به کارگران در سازمان تأمین اجتماعی زده شد، با اجرای به‌اصطلاح "طرح تحول نظام سلامت" در دولت "تدبیر و امید" روحانی روی داد. مطابق گفتهٔ ایزدخواه، این طرح برای منابع مالی سازمان تأمین اجتماعی "طی چهار سال اخیر، دو برابر ۵۲ سال گذشته" هزینه‌های درمانی در بر داشت.

بنا بر گزارش روزنامه شرق، ۲۷ مهرماه، در "چند دهه گذشته حداقل ۲۲ قانون مختلف... به‌تصویب رسیده که هزینه‌های افراد بسیاری را بدون هیچ فکری برای تأمین منابع به صندوق تأمین اجتماعی سپرده‌اند." این ۲۲ قانون "ماهانه درحال‌حاضر هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان برای صندوق تأمین اجتماعی هزینه دارند." درحالی‌که دولت حدود ۱۵۴ هزار میلیارد تومان، و کارفرماهای خصوصی حدود "۱۵ هزار میلیارد تومان" به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار هستند، برای پرداخت هزینه‌های تحمیل شده به سازمان و مستمری بازنشستگان، سازمان تأمین اجتماعی مجبور به گرفتن وام از بانک رفاه است که بدهی سازمان تأمین اجتماعی را "به بانک رفاه را به ۲۳ هزار میلیارد تومان رسانده" است و "روزانه شش میلیارد تومان بهرهٔ بانکی" این وام از صندوق پرداخت می‌شود [همانجا].

کارگران بیمه‌شده در کشورمان ماهیانه ۳۰ درصد از حقوق دریافتی‌شان را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌کنند که قرار است یک‌سوم این پرداختی‌ها صرف هزینه‌های درمانی شود، و یک‌سوم دیگر آن‌ها نیز برای پرداخت مستمری بازنشستگی کارگران در صندوق سازمان پس‌انداز شود. مطابق گفته‌های مدیرعامل تأمین اجتماعی، نوربخش: "۹۵ درصد از درآمدهای سازمان از محل پرداخت حق بیمه تأمین می‌شود." درحال‌حاضر بیش از ۶۰ درصد بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی حداقل‌بگیر هستند. برخی از کارگزاران رژیم، بدهی "۱۵۴ هزار میلیارد" تومان را صرفاً به "۱۲۵ هزار میلیارد" تومان کاهش می‌دهند، که حتی بر اساس این ۱۲۵ هزار میلیارد تومان بدهی، بنا بر گزارش ایلنا، ۳۰ دی‌ماه، دولت باید "رقمی بالغ بر ۲۰۰ هزار میلیارد تومان" نیز جریمهٔ دیرکرد به تأمین اجتماعی پرداخت کند.

مطابق قانون برنامه ششم توسعه، دولت می‌بایست سالانه ۱۰ درصد از میزان بدهی خود به تأمین اجتماعی را پرداخت می‌کرد. دولت نه در سال ۹۶ به‌این تعهد عمل کرد، و در بودجهٔ ۹۷ نیز دولت یک‌چنین قصدی را نشان نمی‌دهد. بنا بر گزارش خبرگزاری ایلنا، ۲۳ دی‌ماه، مطابق "قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی"، بدهی دولت به تأمین اجتماعی باید بر اساس "شیوه سود مرکب" محاسبه شود. برای پرداخت "جریمهٔ بدهکاران نظام بانکی" نیز از همین شیوه استفاده می‌شود، اما برخی نمایندگان مجلس شورا و مسئولان رژیم استفاده "از روش سود ساده برای تعیین ارزش" مطالبات تأمین اجتماعی را پیشنهاد می‌کنند که "جریمهٔ دیرکرد" در این روش "تنها شامل اصل بدهی خواهد شد." برخی نمایندگان مجلس شورا و مسئولان دولتی، حتی رئیس مجلس شورا، اخیراً محاسبهٔ بدهی دولت به سازمان بر اساس "قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی [را]... نوعی ربا و ربح مرکب قلمداد کرده‌اند" و پیشنهاد پرداختِ "فقط اصل طلب" توسط دولت را داده‌اند. بنا بر گزارش ایلنا و برای ارائهٔ نمونه، اگر حق بیمه کارگر "۳۲ سال" پیش "معادل ۲ تومان" بود، دولت معادل همان ۲ تومان "اصل طلب" ۳۲ سال پیش را پرداخت کند. علاوه بر موردهایی که در بالا بدان‌ها اشاره شد، در یورشی دیگر به منابع مالی کارگران در سازمان تأمین اجتماعی، بنا به گزارش ایلنا و بر اساس بند "ز" تبصرهٔ ۷ لایحهٔ پیشنهادی سال ۹۷ دولت، "سازمان تأمین اجتماعی مکلف است تمامی سهم درمان [۹٫۲۷ سهم] از مجموع مأخذ کسر بیمه... را در حسابی نزد خزانه‌داری کل کشور... متمرکز نماید." با تجاوز به سهم درمان تأمین اجتماعی، سازمان عملاً به ارائه خدمات و پرداخت مستمری بازنشستگان قادر نخواهد بود. در یورشی دیگر به منابع مالی کارگران در سازمان تأمین اجتماعی، روز ۷ بهمن‌ماه، مرتضی لطفی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا)، بار دیگر از عرضهٔ "۱۶۷ شرکت و بنگاه اقتصادی کوچک شستا... به بخش خصوصی" سخن گفت، و افزود: "به‌دنبال اصلاح ساختار" هستیم. به‌رغم اعتراض‌های گستردهٔ توده‌ای، برای تحمیل حالتی تدافعی به مبارزهٔ طبقهٔ کارگر کشورمان، رژیم فاسد ولایت فقیه و کارگزارانش در دولت و مجلس بر ادامهٔ یورش به اندوختهٔ کارگران در تأمین اجتماعی اصرار دارند. با مبارزه‌یی پیگیر و متحد، دست چپاول‌گران از اندوختهٔ کارگران در سازمان تأمین اجتماعی را باید کوتاه کرد.

ادامهٔ مبارزه جنبش جهانی ...

و کشاورزی ("فائو") و سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد ("یونسکو")، گسترش فقر، گرسنگی و بی‌سوادی در سدهٔ بیست‌ویکم را غیرقابل‌پذیرش خوانده و مبارزه با آن را خواستار شده است. لازم به یادآوری است که، فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری دارای کرسی‌ای دائمی در این دو نهاد سازمان ملل متحد است.

بیانیه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در ارتباط با گسترش بی‌سوادی در آسیا

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، به‌نمایندگی از طرف ۹۲ میلیون کارگر، پدیدهٔ گسترش‌یابندهٔ بی‌سوادی را در سطح جهان، به‌ویژه در آسیا، را شرم‌آور می‌داند. ما درحالی سال ۲۰۱۸ را آغاز می‌کنیم که سطح بی‌سوادی شدیداً بالا است. بنا به‌گزارش یونسکو، میزان بی‌سوادی جهان ۱۳٫۷ درصد است که نزدیک به یک میلیارد نفری را در بر می‌گیرد که حتی از خواندن و نوشتن الفبا نیز ناتوان‌اند. بنا بر گزارش یونسکو، در دهه گذشته اغلب بی‌سوادان (۷۰ درصد) در آسیا زندگی می‌کنند و نصف جمعیت بی‌سودان جهان در جنوب آسیا به‌سر می‌برند.

امر بی‌سوادی اساساً در زندگی میلیاردها انسان تأثیر داشته است. هم‌زمان با گسترش پدیدهٔ بی‌سوادی، بورژواها و دولت‌هایشان، مبالغی عظیم را به‌جای بهبود مسئله‌های مرتبط با سوادآموزی و آموزش، برای امور نظامی به‌مصرف می‌رسانند. در مواردی متعدد بودجهٔ نظامی ۲ درصد تولید ناخالص داخلی جی- دی- پی افزایش داشته است.

آموزش باید حقی انکارناپذیر تلقی شده و یکی از اولویت‌های مهم فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری شمرده شود. در همین رابطه، اتحادیهٔ سراسری معلمان عضو این فدراسیون، در کنگره هجدهم- که از ۴ تا ۵ ماه مارس ۲۰۱۸ برگزار خواهد شد- اقدام‌های عملی‌ای بیشتری را در این مورد به‌بحث خواهند گذاشت و جنبش جهانی سندیکایی و طبقاتی در مورد پدیده بی‌سوادی اقدام لازم را انجام خواهد داد.

سایت فدراسیون جهانی کارگری، سوم دی‌ماه ۱۳۹۶

http://www.wftucentral.org/wftu-statement-on-the-phenomenon-of-illiteracy-in-asia

در دفاع از حقوق زنانِ کارگر و همهٔ زنان شاغل

فراخوان فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری برای برگزاری همایش زنان کارگر و زحمتکش

همکاران گرامی،
فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، از بدو پایه‌گذاری خود، برای برابری، آگاه‌سازی و بهبود شرایط زندگی اجتماعی زنان کارگر مبارزه کرده است. از زمان تأسیس، در اکتبر ۱۹۴۵ (۱۳۲۱)، کنگره‌ها و فعالیت‌های بسیار دیگری را برای کارگران زن رزمنده برگزار و انجام داده است.
خواستِ برابری حقوق زنان، پرداخت مزد مساوی برای کار مساوی، مرخصی دوران بارداری و زایمان، احترام به شخصیت زنان، حفاظت آنان در قبال فحشا و قاچاق، از نخستین شعارها و بیانیه‌های فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری به‌شمار می‌آمده‌اند.
جنبش طبقاتی سندیکایی به مبارزات و تلاش‌های خود در راه رهایی و شناساندن حقوق اجتماعی زنان کارگر می‌بالد. فدراسیون و سندیکاهای وابسته جزو نخستین تشکل‌ها بودند که زنان را در پست‌هایی مهم در زندگی روزانه و فعالیت‌های سندیکایی ـ نه به‌شکل نمایشی و صرفاً صوری- انتخاب کردند. فدراسیون اولین سازمانی بود که از زنان و مردان برای مبارزات مشترک طبقاتی‌شان با استثمار سرمایه‌داری و حرص و آز شرکت‌های چندملیتی و کارتل‌ها دعوت کرد. امروزه، سرمایه‌داری به‌همراه دولت‌های خود، در تلاش است که تمامی دستاوردهای چند دههٔ ما را حذف کند. آن‌ها حقوق و دستاوردهای ما شامل حق زندگی، کار، بازنشستگی، بهداشت، آموزش و غیره را می‌خواهند از ما بربایند. آن‌ها قصد دارند کارگران را به برده‌هایی مدرن و بدون داشتن هرگونه حق‌وحقوقی تبدیل کنند. شرکت‌های چندملیتی زنان، دختران و جوانان ما را برای افزایش سود خود استثمار می‌کنند. صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی وضع قوانین و مقررات ضدِ کارگری بیشتری را دربارهٔ زنان کارگر و جوان خواهان‌اند. در کنگرهٔ هفدهمِ فدراسیون، که اخیراً در شهر دوربان افریقای جنوبی برگزار شد، در جمع‌بندی‌های خود بیان کرد که: زنان شاغل در زمرهٔ گروه‌هایی‌اند که بیشترین آسیب را از بحران‌ها می‌بینند و مصوبه‌هایی نیز مبتنی بر اقدام عملی به‌منظور توقف و حذف تبعیض بر ضدِ زنان و حمایت از دوران بارداری زنان صادر کرد.
هم‌اکنون مشارکت زنان در محیط‌های کاری به ۴۹٫۶ درصد رسیده است، درحالی‌که برای مردان در سطح جهانی ۷۱٫۶ درصد است. بالاترین آمار بیکاری و نیمه بیکاری متعلق به زنان است. در هر دو گروه کشورهای با درآمد بالا و پایین، زنان دستمزد کمتری دریافت می‌کنند و بالاترین میزان ساعات کاری پرداخت نشده را دارند و درعین‌حال آنان‌اند که مسئولیت فرزندان و افراد کهن‌سال خانواده را نیز برعهده دارند. در تمامی جهان زنان ۴۰ درصد نیروی کار و ۵۷ درصد نیروی کارِ پاره‌وقت را تشکیل می‌دهند، که این خود بیانگر دسترسی نداشتن زنان به تأمین اجتماعی و خدمات دوران بارداری است. بحران اقتصادی سال‌های اخیر که زندگی اغلب کارگران را نابود کرده است، زنان کارگرِ بیشتری را بیکار و یا به کارهای نیمه‌وقت واداشته است که حاصل آن به حذفِ خدمات درمانی خودشان و فرزندان‌شان منجر شده است. در چنین اوضاع و احوالی، میزان مشارکت

زنان شاغل در سازمان‌های سندیکایی بسیار پایین آمده (طبق آمار سال ۲۰۱۲ میلادی ۴۰ درصد است) و حتی حضورشان در این سازمان‌ها مشکل‌تر شده است. جنگ‌ها، که شرکت‌های انحصاری از آن بهره‌مند می‌شوند، سبب شده که میلیون‌ها نفر پناهنده شوند که ۵۰ درصد آنان زنان و دختران‌اند. آنان در مسیر نجات خود از فاجعه‌های این جنگ‌ها در معرض فحشا، سوءاستفاده‌های جنسی و خطرهای جانی قرار می‌گیرند تا به کشور مقصد برسند. فقر و جنگ‌های امپریالیستی از سوی نوفاشیست‌ها، نیروهای نژادپرست و خارجی‌ستیز- که در اغلب کشورها روبه‌رشد هستند- بر ضدِ منافع زحمتکشان، به‌ویژه زنان زحمتکش، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. مشکل اساسی زنان شاغل تنها با سازمان‌دهی مبارزه برای دست یافتن به حقوق‌شان و در جهت راهبرد کلی براندازی بهره‌کشی انسان از انسان امکان‌پذیر است. به همین دلیل، همایش زنان شاغل فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، شما را به این کنگره دعوت می‌کند، تا بتوانیم فعالانه تجربه‌های خود را مبادله کنیم و مشکلات زنان طبقهٔ کارگر در سطح جهانی را به‌بحث و گفتگو بگذاریم، و همچنین با ارائهٔ راه‌حل‌هایی برای موضوع‌هایی مشخص بتوان مسائل پیش‌روی زنان شاغل را برطرف کرد و شرایط کاری و زندگی آنان را بهبود بخشید.
کمیتهٔ ملی کارگران پاناما، که میزبان کنگرهٔ زنان شاغل است، هزینهٔ مسکن، غذا و رفت‌وآمد در محل را به‌مدت ۴ شب از ۱۶ تا ۱۹ اسفندماه ۱۳۹۶ بر عهده خواهد داشت. هزینهٔ تهیهٔ بلیت هواپیمایی شرکت‌کنندگان به‌عهدهٔ فدراسیون و یا سازمان میزبان نخواهد بود.

مبارزهٔ جنبش جهانی سندیکایی زحمتکشان با فقر و بی‌سوادی

افزایش میزان گرسنگی در آمریکای لاتین و رشد نرخ بی‌سوادی در قارهٔ آسیا، نگرانی همهٔ مجامع ذی‌صلاح و نیروهای ترقی‌خواه جهان ازجمله جنبش جهانی سندیکایی زحمتکشان را برانگیخته است. فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، با استناد به آمارهای دو سازمان وابسته به سازمان ملل متحد یعنی سازمان خواربار

ادامه در صفحه ۳

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
آدرس های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس های اینترنت و "ای-میل"
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمهٔ کارگری نامهٔ مردم – شمارهٔ ۳
Nameh Mardom –Workers Supplement No. 3

5 February 2018

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
004930
23629727

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran